

خاطرات و زندگینامه

دکتر سید ابراهیم

چهرازی





آشیا نه کتاب

خیابان ولیعصر - روبه روی بیمارستان دی

خیابان دوم گاندی

تهران - کد پستی ۱۵۱۶۷

تلفن: ۸۸۷۷۵۱۵۱ - دورنگار: ۸۸۸۸۵۸۶۹

<http://www.ashyanehketab.com>

Email: info@ashyanehketab.com

چهرازی، ابراهیم، ۱۲۸۷ -

خاطرات و زندگینامه دکتر سید ابراهیم چهرازی / ابراهیم چهرازی.

-- تهران: آشیا نه کتاب، ۱۳۸۲.

۳۵۲ ص: مصور، عکس.

ISBN: 964-6070-04-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: نوگل، ۱۳۸۲.

۱. چهرازی، ابراهیم، ۱۲۸۷ -- -- سرگذشت نامه. ۲. ایران --

تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- خاطرات. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

DSR ۱۳۸۶/چ ۹۲۳

م ۸۴-۳۳۹۰۲

کتابخانه ملی ایران

خاطرات و زندگینامه

دکتر سید ابراهیم چهرازی

چاپ اول (ناشر)، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ گهر

طرح جلد: غزاله عطانی

شابک: ۳ - ۰۴ - ۶۰۷۰ - ۹۶۴

شماره نشر: ۱۰۴

تهران - ۱۳۸۵

بها: ۳۵۰۰ تومان



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

- مقدمه ۹
- پیش‌گفتار ۱۱-۱۲
- فصل اول: کودکی و تحصیلات اولیه ۱۳-۴۰
 - موطن من باغبادران ۱۳
 - حکیم‌باشی ۱۶
 - طبابت در لنجان ۳۱
 - چند حکایت شتیدنی ۳۱
 - تحصیلات ابتدایی و متوسطه ۳۹
- فصل دوم: ادامه تحصیلات در تهران ۴۱-۴۹
 - موفقیت در امتحان اعزام محصلان به خارج ۴۳
 - دیدار محصلان اعزامی با رضاشاه ۴۶
- فصل سوم: سفر به اروپا ۵۱-۶۶
 - شمه‌ای از طب سنتی و طبابت قدیم ۵۱
 - مسیر حرکت به اروپا ۵۳

جشن هزاره فردوسی در فرانسه	۵۷
قطع رابطه ایران و فرانسه	۶۳
حضور در المپیاد برلن	۶۴
● فصل چهارم: بازگشت به ایران	۶۷-۹۶
خاطرات مخبر السلطنه	۶۹
کانون جوان	۷۰
تأسیس بخش اعصاب در بیمارستان شماره یک شهرداری	۷۱
مرگ دکتر ارانی در زندان	۷۴
پرفسور ابرلن و تأسیس دانشکده پزشکی	۷۷
تشکیل کنگره پزشکی خاورمیانه	۸۲
انجمن مبارزه با تریاک و الکل	۸۳
دیدار آرشه تونگ با آیت الله العظمی بروجردی (ره)	۸۵
خاطره‌ای در مورد سردار معظم کردستانی	۹۴
● فصل پنجم: در میدان مبارزه و سیاست	۹۷-۱۱۳
درگذشت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و	
عزیمت به عراق	۱۰۸
● فصل ششم: ماجرای اصل چهار و سفر به آمریکا	۱۱۵-۱۲۳
● فصل هفتم: در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی	۱۲۵-۱۳۸
سیاست‌های بیگانه و عقب‌ماندگی ما	۱۲۵
سقاخانه نوروزخان	۱۲۷
فتنه باب	۱۲۸
ماجرای درگیری رزم‌آرا با دکتر مهدی آذر	۱۲۹
دکتر کیان و انتخابات دوره هفدهم	۱۳۲
کارشکنی توده‌ای‌ها در بیمارستان چهارزی	۱۳۴

مبارزه انتخاباتی با دکتر کیان ۱۳۷

● فصل هشتم: فعالیت‌های انتخاباتی و نمایندگی مجلس

شورای ملی ۱۳۹-۱۴۷

بازنشستگی اجباری ۱۳۹

مجلس شورای ملی در گذشته ۱۴۰

در مجلس دوره بیست و چهارم ۱۴۲

● فصل نهم: بازی سرنوشت ۱۴۹-۱۵۴

استعفا از نمایندگی مجلس ۱۴۹

دستگیری من ۱۵۰

● فصل دهم: در زندان ۱۵۵-۱۶۱

● فصل یازدهم: انسان سالم، پرورش نشاط ۱۶۳-۱۷۰

● فصل دوازدهم: روزشمار زندگی دکتر ابراهیم چهارازی ۱۷۱-۱۸۷

عضویت در مجامع علمی بین‌المللی ۱۷۳

تألیفات دکتر چهارازی ۱۷۵

پزشکی اجتماعی ۱۷۹

مقالاتی که در مجله سلامت فکر منتشر شده است ۱۸۰

پایان‌نامه‌های پزشکی به راهنمایی آقای دکتر چهارازی ۱۸۴

● نام‌های اشخاص ۱۸۹-۱۹۶

● اسناد نوشتاری و تصویری ۱۹۷-۳۵۰

به نام خالق هستی بخش



روزی به این دنیای پر آشوب پا می‌گذاریم و روزی آنرا ترک می‌کنیم، بدون اینکه در این آمد و شد متخیر باشیم. روایت است که خداوند خالق هستی، پس از گیاه و نبات و حیوان، آدم را آفرید و او را از خوردن گیاهی منع نمود، آدم تنها بود و از تنهایی رنج می‌برد و بدان جهت خداوند حوّا را آفرید. شیطان که مطرود شده بود، حوّا را فریب داد و حوّا گیاه ممنوع شده را به خورد آدم داد و به سبب خُلفِ وعده و تخلف از دستور خداوند، آدم و حوّا از بهشت رانده شده و در بیابان‌ها آواره شدند.

خداوند متعال از روی رأفت و حمایت از مخلوق خود (آدم و حوّا) برای حفاظت آنها از درد و دیو و حوادث روزگار و جسلوگیری از گمراه شدن در دنیای بی‌پایان و فضای لایتنامی، سه قوه و پنج وسیله ارتباطی به آنها اهدا نمود تا در برابر حوادث و نیازها راه نجات را پیدا کنند.

این قوا عبارتند از: قوه غریزه، عاطفه و شعور که در نهاد بشر است و پنج وسیله ارتباطی با دنیای خارج که عبارتند از:

قوه بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی (ذائقه) و لامسه. قوه غریزی، که مشترک بین انسان و حیوان می‌باشد، مسئول تأمین نیازمندی‌های جسمی و بدنی انسان مانند تغذیه، دفع، رشد و هرآنچه برای حفظ سلامت بدن می‌باشد.

قوه عاطفه، مسئول حفظ خروشتن و حسن رابطه با امثال خود و ابنا بشر بوده و سیر تکامل این قوه، مذهب را بر وجود آورده است. قوه شعوری، از کم و کیف محیط زندگی و مقابله با هر پیش‌آمد مخاطره‌انگیز و حفاظت خویش و خانواده و سعی در اکتشاف رموز زندگی و گردش روزگار و دفع خطرات و بلاها و حفظ منافع خود می‌باشد.

مثال کوچکی مبین وظائف این سه قوه می‌باشد: با احساس سرما نیاز به پوشیدن لباس گرم احساس می‌شود (غریزه). اما نوع لباس، رنگ و دوخت چه باشد، (عاطفه). قیمت لباس چقدر باشد، آیا مقرون به صرفه می‌باشد یا غیر (شعور). بطور کلی در هر موردی این سه قوه بکار افتاد، قوه شعور یا عقل، صلاح و مصلحت را آشکار می‌کند تا در صورت قبولی اقدام شود.

در صورتیکه پیشرفت این سه قوه، طبیعی و متناسب باشد سلامت تن و روان حاصل می‌شود. اما اگر یکی از این سه قوه مثلاً قوه غریزی بر دیگر قوا مسلطه یابد، شخص، خودخواه، متجاوز، بی‌رحم و انصاف، ماجراجو و فتنه‌انگیز خواهد شد.

اگر عاطفه شدت یابد، محفلات مذهبی و توسل به قرای نامریی مورد توجه قرار می‌گیرد. سیر تکامل ملل در نقاط مختلف جهان از جهت نوع بشر، آب و هوا و امکانات زمینی - هوایی و زیرزمینی متفاوت بوده، مثلاً ملل مغرب زمین که تا قرن نهم تحت سلطه پاپ و کشیش بسر می‌بردند، با پیدایش رنسانس، پرده‌اوهام دریده و درصدد برآمدن تا هویت و امکانات خود را در جهان هستی بدست آورند و با انقلاب صنعتی سلطه بشر بر اوضاع و حوادث مسلم گردید.

اقوام آسیای میانه دستخوش فلسفه زندگی و حیات و ممات شده و تحت‌الشعاع اختراعات و سیاست استعماری مغرب زمین قرار گرفتند، و با فتح کره ماه، کاوش در کره مریخ، کشف رموز راه شیری موجبات فرمانروایی آنها را در کره زمین فراهم ساخته است.

سلامت تن و روان شما را از خداوند متعال مسئلت دارم

سید ابراهیم چهارزی

نوروز ۱۳۸۵



۲۸ فرسخ ۱۳۲۹

خدمت شما
 لایق شمرده و قبول
 در حق پست من بگذرید ترک را نظر
 بکنم چون غیر غایت کرم عطا است
 در حق یک آن که دارد دهن و زبان
 بشوایم غرض از این خدمت و رسم
 صبری و صبر من و شما
 بنحسب است و تمام ارادت و احترام
 (مکرر درود)

دست نوشته دکتر مصدق برای دکتر جبهرازی

پیش‌گفتار

چند سال پیش از این برای دیدن فرزندان خود به آمریکا رفته بودم. یکی از فرزندانم به نام دکتر دارا چهارازی که سال‌ها در آن سرزمین سکونت دارد و در یکی از دانشگاه‌های معتبر آن دیار به تدریس در رشته علوم سیاسی مشغول است، ضمن صحبت از ویژگی‌های مردم آمریکا می‌گفت: مردم اینجا با آنکه از دویست سال پیش از مناطق دور و نزدیک به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند، هر کدام به فراخور توانایی و امکانات خود با ایجاد باشگاه‌های آموزشی، بهداشتی، رفاهی و بیمه، ضمن آنکه در پیشرفت علمی، اجتماعی، صنعتی و آبادانی کشور آمریکا سهیم‌اند، به نحوی در تبیین هویت اصلی ملیت خود می‌کوشند. متأسفانه هم‌میهنان ما که به این کشور مهاجرت کرده‌اند و در دو دهه گذشته، تعدادشان در آمریکا رو به فزونی نهاده، تشکیلات مشابه ملت‌های دیگر را ندارند و از این نظر فاقد موقعیت اجتماعی و سیاسی لازم هستند. بنابراین ایرانیان مقیم آمریکا به شدت به روشن شدن هویت و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی نیاز دارند.

این سخنان مرا بر آن داشت تا سوابق زندگی خود را در مدت نزدیک

به یک قرن گذشت که با تحولات شگرفت اجتماعی و سیاسی و چگونگی زندگی طبقات مختلف جامعه آمیخته است هر چند ناقص و شکسته بسته به رشته تحریر درآورم. از دورانی که ایران تحت عنوان ممالک محرومه قلمداد می‌شد، در شمال، قشون روس و در جنوب، قشون انگلیس و پلیس جنوب (S.P.R) فرمانروایی می‌کردند؛ از اوضاع اجتماعی مردم ایران متعاقب جنگ جهانی اول و تهاجم قشون روس و انگلیس، نبودن امنیت، بهداشت، تغذیه، آموزش، دارو، پزشک و بیمارستان و... تا کودتای ۱۲۹۹، خلع احمدشاه و به سلطنت رسیدن رضاخان میرپنج.

در دوران سلطنت رضاشاه به‌رغم آنکه نخستین تجربه آزادی به دست آمده از مشروطیت نابود و سران ایلات و عشایر سرکوب و امنیت برقرار گردید، بنیان یک سلسله اصلاحات اداری و آموزشی آغاز شد که یکی از آنها اعزام محصل به اروپا بود. من نیز یکی از محصلان اعزامی به اروپا بودم که پس از بازگشت به ایران منشأ خدماتی در تربیت و آموزش کادر پزشکی و اصلاح امور درمانی کشور شدم...

چون یادداشت روزانه ندارم و خاطراتم مبتنی بر محفوظات نگاشته شده طبعاً از جزئیات صرف نظر و بیشتر به کلیات اکتفا کرده‌ام. اما گمان می‌کنم چون سهمی در حوادث داشته‌ام، تحریر همین محفوظات می‌تواند ارزش تاریخی ولو اندک داشته باشد.

در خاتمه بر خود فرض می‌دانم از آقای مرتضی رسولی‌پور به سبب کوشش و همتی که در نگارش، تنظیم و چاپ این خاطرات متحمل شده‌اند قدردانی کنم.

۱۹ بهمن ۱۳۸۱ - دکتر سید ابراهیم چهارازی